

دکتر گری یتس، ارمیا، درس ۱۱، ارمیا ۴-۶، تهاجم قریب الوقوع

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در دوره آموزشی خود در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه یازدهم، ارمیا ۴: ۵-۶: ۳۰، تهاجم آینده است.

در این جلسه از مطالعه کتاب ارمیا، قرار است از ارمیا فصل چهارم، آیه پنجم، واحدی را که تا ارمیا فصل ششم، آیه ۳۰ امتداد دارد، پوشش دهیم.

و ما قصد داریم به موضوع تهاجم قریب الوقوع پردازیم. و همانطور که به این موضوع نگاه می‌کنیم هشدارهای داوری که به دلیل عدم توبه بر یهودا نازل خواهد شد، می‌خواهم در ابتدای این مطلب به ما یادآوری کنم و چیزی برای تفکر به ما ارائه دهم. ما قطعاً رابطه علت و معلولی را بین آنچه در بخش قبلی مطالعه کردیم و آنچه ارمیا در این بخش در مورد آن هشدار می‌دهد، می‌بینیم.

وقتی یهودا از پاسخ مثبت به پیشنهاد توبه و اجتناب از داوری خدا امتناع می‌کند، شاید این احتمال وجود داشته باشد که خدا از داوری صرف نظر کند. اینها عواقبی هستند که آنها تجربه خواهند کرد. من فکر می‌کنم، از برخی جهات، در بخش ابتدایی کتاب داوران، شما دلیلی دارید.

اسرائیل کنعانیان را از سرزمین خود بیرون نکرد. در نتیجه، آنها شروع به پرستش خدایان خود کردند و خداوند آنها را مشمول این سلسله داوری‌ها قرار داد. ما نیز همین موضوع را در اینجا داریم.

ما به یاد اصل معنوی کاشت و برداشت می‌افتیم. هر آنچه انسان بکارد، همان را درو خواهد کرد. ارمیا به مردم در مورد گناهایی که کاشته‌اند هشدار می‌دهد.

او همچنین عواقبی را که قرار است درو کنند به آنها نشان می‌دهد. هوشع گفت که اسرائیل باد کاشته است؛ آنها گردباد درو کرده‌اند. بنابراین یکی از اصول مربوط به گناه این است که ما نه تنها به همان اندازه آنچه انجام داده‌ایم، پاداش می‌گیریم، بلکه عواقب آن گناه نیز با عدم رسیدگی به آنها تشدید و بزرگتر می‌شود.

بگذارید یادآوری کنم که در پایان بخش آخر کتاب ارمیا که مطالعه کردیم چه بود. این فراخوان‌های مکرر و باورنکردنی از اسرائیل خواسته شده است که از خود روی برگردانند، به سوی خدا بازگردند، به سوی او بازگردند. و ما با این سوال مواجه می‌شویم: آنها چگونه پاسخ خواهند داد؟ آنها چگونه به این موضوع واکنش نشان خواهند داد؟ بدیهی است که فکر اولیه ما این است که اگر قبلاً هرگز کتاب را نخوانده‌ایم، اگر تاریخ اسرائیل را نمی‌دانیم، یا اگر داستان ارمیا را نمی‌دانیم، پاسخ ما با توجه به این پیشنهاد باورنکردنی خواهد بود، آنها آن را قاپیدند.

آنها به سوی خداوند بازگشتند. آنها فیض او را به چنگ آوردند. چگونه می‌توانستند به این پیشنهاد پاسخ ندهند تا فاجعه‌ای را که بر سرشان نازل می‌شد، از دست بدهند؟ اما در پایان درس دیدیم که به این دعوت‌ها برای بازگشت به شیوه‌ای درست پاسخ داده نخواهد شد.

و دوباره، فقط یادآوری می‌کنم که چگونه این اتفاق از طریق کتاب ارمیا رخ خواهد داد. فصل پنجم، آیه سوم این را می‌گوید: آنها از پذیرش اصلاح سر باز زدند. آنها روی خود را از سنگ سخت‌تر کرده‌اند.

، آنها از زمین خوردن امتناع ورزیده‌اند. فصل هشت، آیات چهار و پنج. باز هم، وقتی کسی زمین می‌خورد، انتظار دارید که برخیزد.

وقتی مردم به سفری می‌روند و روی برمی‌گردانند، انتظار دارید که برگردند. پس چرا این رویگردانی دائمی وجود دارد؟ چرا اسرائیل برنگشت؟ خداوند می‌گوید، قلب خود را ختنه کنید. فصل ششم، آیه ۱۰، می‌گوید که آنها گوش‌های ختنه نشده دارند.

و در فصل نهم، آیات ۲۵ و ۲۶، آنها قلب‌های نامختون دارند، درست مانند تمام ملت‌های بت‌پرست اطرافشان. بنابراین، آنها واکنشی نشان نخواهند داد. به یک معنا، خداوند قبل از اینکه حتی به قوم خود نزدیک شود، می‌داند که واکنش آنها چه خواهد بود.

خداوند در ارمیا فصل هفتم، آیات ۲۷ و ۲۸ می‌گوید، پس تو باز هم تمام این سخنان را به آنها خواهی گفت، اما آنها به تو گوش نخواهند داد. تو آنها را صدا خواهی زد، اما آنها به تو پاسخ نخواهند داد. خداوند به آنها فرصتی مشروع برای پاسخ دادن می‌دهد.

اما خداوند با توجه به شخصیت آنها، با توجه به تاریخ گذشته اسرائیل، می‌داند که واکنش چه خواهد بود. اما این پیشنهاد واقعاً وجود دارد. من فکر می‌کنم این به ما کمک می‌کند تا اشعیا را درک کنیم.

خداوند به اشعیا می‌گوید که موعظه کند و با موعظه‌اش، قلب‌هایشان را سخت و آنها را کور و کر خواهد کرد. اینطور نیست که خدا عمداً باعث شود که آنها به پیام ایمان نیاورند. بلکه صرفاً متوجه می‌شود که در پرتو قلب‌هایشان، موعظه کلام خدا و پیشنهاد فیض، آنها را مقاوم‌تر خواهد کرد.

و یکی از چیزهای ترسناک در عهد عتیق این ایده است که خدا اغلب کفر را با کفر مجازات می‌کند. و خدا همانطور که ما از پاسخ دادن به خدا امتناع می‌کنیم، لایه‌هایی از مقاومت یا سنگدلی وجود دارد که بر قلب انسان شکل می‌گیرد. و هر بار که به خدا نه می‌گوییم، لایه‌ای از سنگدلی وجود دارد که در نهایت پاسخ دادن را برای ما دشوار می‌کند.

و به یک معنا، این همان چیزی است که از طریق موعظه پیامبران اتفاق خواهد افتاد. در اینجا یک پیشنهاد مشروع وجود دارد، اما خداوند می‌گوید، من می‌دانم که آنها چگونه واکنش نشان خواهند داد. آنها گوش نخواهند داد.

آنها توجه نخواهند کرد. در واقع، موعظه‌های پیامبران، چشمان آنها را تارتر و گوش‌هایشان را سخت‌تر خواهد کرد تا نتوانند بشنوند. آنچه در این فرآیند برای اسرائیل و یهودا اتفاق می‌افتد، بسیار شبیه به اتفاقی است که برای فرعون در زمان بلایا افتاد.

خداوند در آغاز آن فرآیند به موسی می‌گوید، من قلب فرعون را سخت خواهم کرد و با رهایی قومم از بندگی برای خود جلال و شکوه به دست خواهم آورد. اما وقتی شاهد نتیجه واقعی سخت شدن قلب در بلاهایی هستیم که خداوند در ابتدا بر مصر نازل می‌کند، فرعون قلب خود را سخت می‌کند. و در آخرین سلسله بلاها، در پاسخ به آن، حکم قضایی خدا، حکم او، مجازات او بر فرعون این است که خداوند قلب او را سخت می‌کند و او را از پاسخ دادن ناتوان می‌سازد.

او اساساً همان چیزی را به او می‌دهد که فرعون می‌خواهد. و رومیان فصل ۱ به ما یادآوری می‌کند که خدا این کار را با تمام نسل بشر انجام می‌دهد. ما خدا را رد می‌کنیم، از دانش روی برمی‌گردانیم، و بنابراین خداوند

آنها را به افکار گناه‌آلود و خواسته‌های گناه‌آلودشان تسلیم می‌کند، و کل این فرآیند برای ما برنامه‌ریزی شده است.

بنابراین، پیامبران به مردم فرصت مشروعی برای پاسخ دادن می‌دهند، اما یهودا به شیوهی درست پاسخ نخواهد داد. آنها به سوی خدا باز نخواهند گشت، و بنابراین پیام موجود در فصل‌های ۴ تا ۶ عمدتاً پیام داوری است. در جلسه‌ی قبل، ما همچنین در مورد ژانرهای گفتار نبوی صحبت کردیم و فکر می‌کنم مطالعه و درک این ژانرها برای ما مهم است.

همانطور که داریم کتاب ارمیا را بررسی می‌کنیم، نمی‌خواهم فقط یک شام ماهی برای شما آماده کنم. از بعضی جهات، دوست دارم خودتان بتوانید از طریق انبیاء ماهیگیری کنید. و بنابراین، بخشی از این کار مستلزم درک ژانرها است.

در سراسر کتاب‌های انبیاء، ژانر سخنرانی داوری را داریم. و در باب ۵ ارمیا، دوست دارم روی آنچه در آن دخیل است کار کنیم. سخنرانی داوری شامل چه چیزهایی است؟ اما باز هم، فکر می‌کنم گاهی اوقات دیدن نمونه‌هایی از این موضوع در سایر کتاب‌های نبوی نیز مفید است.

و بنابراین می‌خواهم به یک سخنرانی داوری در اشعیا فصل ۵، آیات ۸ تا ۲۵ نگاهی بیندازم. دو عنصر کلیدی را خواهیم leken در یک سخنرانی داوری، اتهام و اعلام آن است. و بنابراین، اغلب، بین اتهام و اعلام، کلمه داشت.

این اتهام، کیفرخواست است. این جنایاتی است که اسرائیل مرتکب شده است. این اعلام، حکم قطعی است.

بنابراین، با توجه به این موضوع، خدا در حال برنامه‌ریزی برای انجام این کار است. ما مجموعه‌ای از سخنرانی‌های داوری داریم که به عنوان یک واحد در اشعیا ۵، ۸ تا ۲۵ گردآوری شده‌اند. من فقط می‌خواهم مشاهده کنیم که چگونه این دو عنصر با یکدیگر تعامل دارند.

این سخنرانی داوری به شکل یک وحی وای، که به یاد داشته باشید، مردم را به مرگ فرا می‌خواند اگر راه خود را تغییر ندهند. اما اشعیا فصل ۵، آیه ۸ این را می‌گوید: وای بر کسانی که خانه را به خانه و مزرعه را به مزرعه پیوند می‌دهند تا جایی که دیگر جایی باقی نمی‌ماند و شما مجبور می‌شوید تنها در میان زمین ساکن شوید. این اتهام است.

آنها اموال همسایگان و برادران اسرائیلی خود را غارت کرده‌اند. آیه ۹، خداوند لشکرها در گوش من قسم خورده است، مطمئناً بسیاری از خانه‌ها ویران خواهند شد، خانه‌های بزرگ و زیبا بدون سکنه. زیرا ده هکتار تاکستان فقط در ایفه یک بٹ و یک حومر بذر خواهد داد.

اعلام شده. خداوند قرار است این خانه‌های زیبا را از بین ببرد. آنها برای تصاحب آنها، مردم را فریب داده‌اند.

مجازات با جرمشان متناسب است. آنها از خانه‌هایی که تصرف کرده‌اند لذت نخواهند برد. آیه ۱۱: وای بر آنان که صبح زود برمی‌خیزند تا به دنبال نوشیدنی‌های قوی بروند، و تا دیروقت در شب می‌مانند، زیرا شراب آنها را شعله‌ور می‌کند.

آنها در ضیافت خود طنین و چنگ، دف و نی و شراب دارند، اما به اعمال خداوند توجه نمی‌کنند و به کارهای دست او نمی‌نگرند. این اتهام است. آنها غرق در لذت هستند و شراب را پر از جام می‌نوشند.

آنها صبح زود بیدار می‌شوند تا آن را بنوشند. آنها از شراب آتش می‌گیرند. آنها عاشق موسیقی و جشن‌ها و مهمانی‌ها هستند اما هیچ توجهی به خدا ندارند.

بنابراین، در آیه ۱۲، این اعلان است. قوم من به دلیل فقدان دانش به تبعید خواهند رفت. مردان شریف آنها. گرسنه خواهند ماند.

جمعیت آنها از تشنگی خشک شده است. بنابراین، هاویه اشتهای خود را افزایش داده و دهان خود را بیش از حد باز کرده است. و اشراف اورشلیم و جمعیت آن فرو خواهند رفت.

و ما اینجا یک اعلان طولانی و طولانی از قضاوت داریم. و دوباره، مجازات با جرم مطابقت دارد. آنها غرق در لذت هستند.

آنها از خوردن و آشامیدن سیر شده‌اند. بنابراین، خداوند آنها را در تبعید از گرسنگی خواهد کشت. و همانطور که آنها غذا و شراب را با ولع خورده‌اند، در آیه ۱۴ آمده است که هاویه اشتهای خود را افزایش داده و دهانش را بی‌حد و حصر باز کرده و آنها را خواهد بلعید.

این یک اعلام ویرانگر است. آیه ۱۸، ما دوباره به اتهام زدن برمی‌گردیم. وای بر کسانی که گناه را با ریسمان‌های دروغ می‌کشند، که گناه را مانند ارابه‌های طناب به دنبال خود می‌کشند، و می‌گویند، بگذارید سریع باشد.

بگذارید کار خود را سرعت بخشد تا ما آن را ببینیم. بگذارید مشورت قدوس اسرائیل نزدیک شود و بیاید تا ما آن را بدانیم. منظورم این است که آنها به گناه خود افتخار می‌کنند و آن را با ارابه به این سو و آن سو می‌کشند و از خدا سرپیچی می‌کنند، مثلاً می‌گویند، پروردگارا، اگر قرار است ما را داوری کنی، عجله کن و این کار را انجام بده.

اگر پیامبران درست می‌گویند، اگر آنچه می‌گویند دقیق است، آن را مطرح کنید. آیه ۲۰، قبل از اینکه به اعلام برسیم، اتهامات بیشتری وجود دارد. وای بر کسانی که بدی را خوب و خوبی را بد می‌نامند، که تاریکی را به جای نور و نور را به جای تاریکی قرار می‌دهند، که تلخی را به جای شیرینی و شیرینی را به جای تلخی قرار می‌دهند.

آیه ۲۱، اتهامی دیگر. وای بر آنان که در نظر خود حکیم و در نظر خود زیرک هستند. آیه ۲۲: وای بر آنان که در نوشیدن شراب قهرمانند و مردان شجاع و مخلوط کنندگان مسکرات، که گناهکار را برای رشوه تجهیز می‌کنند و بی‌گناه را از حقت محروم می‌نمایند.

بنابراین، بسته به اینکه پیامبر می‌خواهد بر چه چیزی تأکید کند، ممکن است یک اتهام بسیار کوتاه و یک اعلامیه طولانی ارائه دهد، یا در این مورد، کاری که او با این تکرارهای مختلف کلمه وای انجام می‌دهد، انباشت اتهامات است. این تمام کارهایی است که اسرائیل انجام داده است. ببینید آنها چقدر گناهکار هستند.

سرانجام، چکش در آیه ۲۴ فرود می‌آید. بنابراین، همانطور که زبانه آتش کاه را می‌بلعد و علف خشک در شعله فرو می‌رود، ریشه آنها نیز مانند پوسیدگی خواهد بود. آیه ۲۵، بنابراین، خشم خداوند بر قومش شعله‌ور شد و او دست خود را بر علیه آنها دراز کرد.

آیه ۲۶، او علامتی برای ملت‌های دوردست بلند خواهد کرد و از اقصی نقاط زمین برایشان سوت خواهد زد و بنگرید، آنها به سرعت و با شتاب می‌آیند. هیچ کس خسته نیست، هیچ کس نمی‌لغزد، هیچ کس نمی‌خوابد یا نمی‌خوابد، هیچ کس کمربندش شل نیست، هیچ بند کفشی شکسته نیست، تیرهایشان تیز، کمان‌هایشان خمیده، سم‌های اسبان‌شان مانند سنگ خارا است، و آنها اسرائیل را ویران و نابود خواهند کرد. مردم یهودا گفته بودند، بنگرید، خداوند قرار است ما را داوری کند. آن را آغاز کنید. بگذارید این اتفاق به سرعت رخ دهد.

خداوند می‌گوید ارتش آشور به سرعت خواهد آمد. آنها حتی یک بند صندل پاره هم نخواهند داشت، وقتی که برای حمله به شما می‌آیند. قوم من در نوشیدن شراب قهرمان هستند.

آنها عضو تیم نوشیدنی المپیک هستند. آنها در شرف نبرد با تفنگداران دریایی هستند که قهرمانان جنگ و شجاعان در نبرد هستند. چه کسی برنده خواهد شد؟ حزب دانشجویی یا تفنگداران دریایی؟ و این سخنرانی قضاوت زیبا، اتهام و اعلام وجود دارد.

و در این اتهامات و اعلامیه‌ها، واقعیت این است که مجازات با جرم مطابقت دارد. حال، ما دقیقاً همین موضوع را در ارمیا فصل پنجم می‌بینیم. و من می‌خواهم که به این متن به عنوان یک سخنرانی داوری نگاه کنیم، جایی که، درست مانند اشعیا فصل پنجم، ترکیبی از اتهام و اعلامیه وجود دارد.

وقتی پیامبران از این ژانرها استفاده می‌کنند، معلم مدرسه‌شان به آنها فرمی نمی‌دهد که بگوید، اوه، شما باید ژانر سخنرانی قضاوت نبوی را دنبال کنید. باید به این اندازه باشد. باید ۵۰٪ اتهام و ۵۰٪ اعلام داشته باشد.

آنها این چیزها را می‌گیرند و به طور خلاقانه از ژانرها به عنوان یک سخنگوی بسیار مؤثر خدا استفاده می‌کنند. گاهی اوقات، اتهام چیزی است که مورد تأکید قرار می‌گیرد. گاهی اوقات، این اعلام است، اما باز هم، علت و معلول است.

آنها از گوش دادن به خدا قصور ورزیده‌اند. این اتفاقی است که قرار است برایشان بیفتد. در ارمیا، خداوند به آنها فرصت می‌دهد تا از خدا روی برگردانند.

آنها به سوی خدا بازنگشته‌اند. نتیجه این است. باز هم، حتی در این بخش، خداوند به سادگی به آنها نمی‌گوید که این اتفاقی است که به طور خودکار رخ خواهد داد.

این هنوز بخشی از روند تلاش خداوند برای وادار کردن اسرائیل و یهودا به پذیرش او و بازگشت از راه‌هایشان است. اما بفرمایید. در اینجا یک سخنرانی نبوی در باب پنجم کتاب ارمیا در مورد داوری آمده است.

در آیات یک تا پنج، با اتهامی گسترده علیه مردم شروع می‌کنیم. و این چیزی است که خداوند به پیامبر می‌گوید: در خیابان‌های اورشلیم به این سو و آن سو بدو.

نگاه کنید و توجه داشته باشید. در اطراف خود بگردید تا ببینید آیا می‌توانید مردی را پیدا کنید، کسی که عدالت را اجرا کند و در پی حقیقت باشد تا من او را ببخشم. اگرچه آنها می‌گویند: «به حیات خداوند سوگند یاد می‌کنم»، که همان چیزی است که خداوند در فصل چهارم به آنها گفته بود، همانطور که با توبه به او پاسخ دادند، اما به دروغ قسم می‌خورند.

ای خداوند، آیا چشمان تو حقیقت را نمی‌بیند؟ تو آنها را زمین زدی، اما آنها هیچ رنجی نکشیدند. تو آنها را نابود کردی، اما آنها از پذیرفتن اصلاح امتناع ورزیدند. آنها چهره‌های خود را از سنگ سخت‌تر کردند.

آنها از توبه کردن امتناع ورزیده‌اند. اتهام چیست؟ خداوند به آنها این فرصت را داده است که برگردند و توبه کنند، اما آنها به جای اصلاح، چهره‌های خود را سخت‌تر کرده‌اند. آنها به خدا پاسخ نخواهند داد، به همین دلیل است که داوری فرا رسیده است.

بنابراین، پیامبر در ادامه می‌گوید، خب، من فکر می‌کردم اینها فقط مردم فقیر هستند. آنها هیچ عقلی ندارند، می‌گوید. بله، من با مردم فقیر و بی‌سواد صحبت می‌کردم.

اگر بروم با افراد تحصیل کرده، کسانی که در جامعه تأثیرگذارند، افراد ثروتمند، افرادی که می‌دانند چه اتفاقی دارد می‌افتد، صحبت کنم، آنها واکنش نشان خواهند داد. این افراد فقیر هستند که راه خداوند یا عدالت خدای خود را نمی‌دانند. من به سراغ بزرگان خواهم رفت و با آنها صحبت خواهم کرد، زیرا آنها راه عدالت خدای خود را می‌دانند، اما همه آنها یوغ خود را شکسته بودند.

آنها رشته‌های پیوندشان را پاره کرده بودند. خب، با خودم فکر کردم، بله، این فقط مشکل افراد بی‌سواد است. اگر با افرادی که دکترا دارند و نفوذ دارند صحبت کنیم، آنها واکنش نشان خواهند داد.

نه، آنها هم پاسخی نمی‌دهند. و از نظر بلاغی، چیزی که اینجا داریم این است که خداوند به دنبال یک فرد عادل می‌گردد. او خیابان‌های اورشلیم را برای یافتن یک نفر که بتواند از داوری در امان نگه دارد، زیر و رو می‌کند، و پیامبر حتی برای یافتن آن هم به سختی تلاش می‌کند.

یک متن بسیار مشابه در فصل ۹ کتاب حزقیال وجود دارد. اگر به کتاب پیدایش برگردیم، به یاد مذاکره ابراهیم با خدا در مورد نابودی سدوم و عموره می‌افتیم. به یاد داشته باشید، این مذاکره با این شروع می‌شود که اگر ۵۰ نفر و افراد صالح در سدوم باشند، ابراهیم در نهایت با خدا مذاکره می‌کند و به جایی می‌رسد که اگر ۱۰ نفر صالح در شهر باشند، خدا آن را نابود نخواهد کرد. خب، اگر ابراهیم برای اورشلیم مذاکره می‌کرد، باید تا رسیدن به یک نفر پیش می‌رفت.

به یک معنا، این همان چیزی است که بلاغت اینجا می‌گوید. و در نتیجه آن شرارت فراگیر در شهر، اتهامی که در آیات ۱ تا ۵ آمده است، به اعلانی در آیه ۶ تبدیل می‌شود. بنابراین، می‌گوید، مانند شیری از جنگل، آنها را خواهد زد. گرگی از بیابان آنها را ویران خواهد کرد.

پلنگی شهرهایشان را زیر نظر دارد و هر که از آنها بیرون رود، تکه تکه خواهد شد. حیوانی وحشی به آنها حمله خواهد کرد و آنها را سرنگون خواهد نمود. همین.

خیلی مختصر اما بسیار مؤثر و قدرتمند در آنچه که او به آنها می‌گوید که قرار است اتفاق بیفتد. به اتهامی که در آیه ۷ آمده است برمی‌گردیم. چگونه می‌توانم تو را ببخشم؟ فرزندان مرا ترک کرده‌اند. تو به کسانی قسم خورده‌ای که خدا نیستند.

وقتی آنها را سیر کردم، مرتکب زنا شدند و به خانه‌های فاحشه‌ها رفتند. آنها خوب تغذیه شده بودند، مبادا اسب‌های نری باشند که هر کدام نام زن همسایه خود را بر خود دارند. آیا آنها را به خاطر این کارها مجازات نکنم، خداوند می‌گوید؟ بسیار خوب، دوباره اتهام وجود دارد، و ما را درست به تصاویر فصل ۲ و کیفرخواستی که خداوند در آنجا ارائه داد، بازمی‌گرداند.

اسرائیل فاحشه است. من به آنها غذا دادم، آنها را برکت دادم، و به جای اینکه در معبد به من احترام بگذارند، به خانه فاحشه‌ها رفتند و خدایان دروغین خود را پرستش کردند. فصل ۲، آنها مانند الاغ‌های وحشی در دوران جفت‌گیری هستند.

اینجا، آنها مانند اسب‌های نر سیر و شهوت‌انگیز و مانند حیوانی هستند که نمی‌تواند شهوت خود را کنترل کند. من فکر می‌کنم هم از نظر اخلاق شخصی و هم از نظر پرستش خدا، آنها نتوانسته‌اند خود را مهار کنند. سپس اعلام می‌شود، آیا من آنها را به خاطر این چیزها مجازات نکنم؟ از میان تاکستان‌های او بالا بروید و آنها را نابود کنید، اما آنها را کاملاً نابود نکنید.

شاخه‌هایش را ببرید، زیرا آنها از آن خداوند نیستند. زیرا خاندان اسرائیل و یهودا به من خیانت کرده‌اند و درباره خداوند به دروغ سخن گفته‌اند.

بنابراین، این اعلام است. خداوند قرار است آنها را مانند یک تاکستان از بین ببرد، اما با این حال می‌گوید، با وجود این واقعیت که من این داوری ویرانگر را انجام می‌دهم، آنها را به طور کامل نابود نخواهم کرد. ما به آنها می‌گوییم که در آیه ۱۲ آمده است، برمی‌گردیم.

آنها از کلام خداوند دروغ گفته و گفته‌اند که او کاری نخواهد کرد، هیچ بلایی بر ما نخواهد آمد و شمشیر و قحطی را نخواهیم دید. انبیا به باد تبدیل خواهند شد. کلام در آنها نیست؛ پس با آنها چنین خواهد شد.

ما این هشدارهای داوری را باور نمی‌کنیم. در آیه ۱۴، این اعلام وجود دارد: بنابراین، لکان، خداوند، خدای لشکرها، چنین می‌گوید: چون این کلام را گفتم، اینک، من کلام خود را در دهان تو به آتش تبدیل می‌کنم.

و این قوم چنین خواهند کرد، و آتش آنها را خواهد سوزاند. خداوند می‌گوید: اینک من قومی را از دوردست‌ها بر شما می‌آورم، قومی پایدار، قومی باستانی، قومی که زبان‌شان را نمی‌دانید و نمی‌توانید بفهمید چه می‌گویند. و باز هم، این بسیار شبیه اشعیا ۵ است. من این ارتش قدرتمند و شرور را می‌آورم، و تفنگداران دریایی در شرف حمله هستند.

و قهرمانان جنگ و نبرد به خانه‌ی برادران حمله خواهند کرد. و خداوند داوری ویرانگری را نازل خواهد کرد. آنها قادر به مقاومت در برابر آنها نخواهند بود.

و من جذب این متن می‌شوم که در آن به اتهام و اعلام برمی‌گردیم. من جذب آن متن در آیه ۱۴ می‌شوم، جایی که می‌گوید کلام خداوند در دهان ارمیا مانند آتش می‌شود. آیا ما درکی از قدرت کلام خدا داریم؟ منظورم این است که ما همه این اتفاقات ویرانگر را که قرار است رخ دهد، می‌بینیم.

یک شهر و یک ملت در شُرُف نابودی هستند. ارتش دشمن در شُرُف ویرانی مطلق در این مکان است. اما در نهایت، مشکل از ارتش نیست.

این قدرت کلام خداست. یادم می‌آید اندی دیلارد یک بار گفت اگر واقعاً قدرتی را که هنگام آمدن به پرستش خدا در روز یکشنبه به آن متوسل می‌شویم، درک می‌کردیم، به جای کلاه خود برای پرستش، کلاه جنگی بر سر می‌گذاشتیم، زیرا خدا و کلامش آتش مطلق هستند.

و همانطور که ما کلام خدا را موعظه و تعلیم می‌دهیم، کلام خداوند قدرت باورنکردنی دارد. سنگ و صخره را می‌شکند. بر قلب‌های بشر غلبه می‌کند.

اسپورژن چیزی گفت مبنی بر اینکه ما، چه به عنوان فرد و چه به عنوان واعظ، قدرت زنده کردن یک مگس را نداریم. چطور فکر می‌کنیم می‌توانیم گناهکاران را دوباره زنده کنیم؟ این کلام خداست که این کار را انجام می‌دهد. اما نتیجه‌ی معکوس آن این است که کلام خداوند نیز آتشی است که قدرت نابودی را دارد.

همانطور که به خدا وفادار هستیم، خدا یا از کلامش برای ساختن و کاشتن استفاده می‌کند یا برای خراب کردن و ویران کردن. اما در هر صورت، خدا در حال انجام اهداف خود است و کلام خدا کار خود را انجام می‌دهد.

و این آتشی در دهان پیامبر است. به یاد داشته باشید که خداوند در فصل اول به ارمیا چه گفته بود، من کلام خود را در دهان تو خواهم گذاشت، و سپس تو خراب خواهی کرد، سرنگون خواهی کرد، ریشه کن خواهی کرد و نابود خواهی کرد، یا خواهی ساخت و کاشت. به یک معنا، ارمیا در واقع این کارها را انجام می‌دهد.

شبهه کاری است که یک پادشاه انجام می‌دهد. در نهایت شبیه کاری است که خدا انجام می‌دهد. اما این خداست که از طریق قدرت کلامش برای تحقق اهدافش تلاش می‌کند.

بنابراین، خطابه داوری در فصل پنجم، تعامل بین اتهام و اعلام، همانطور که انبیا را مطالعه می‌کنید، توجه داشته باشید که این خطابه‌های داوری چگونه کار می‌کنند. اگر در حال موعظه پیامی یا تدریس درسی در مورد ارمیا ۵ هستید، اغلب تقسیم این متن به این بخش‌های مختلف به شما کمک می‌کند تا بدانید چگونه پیام خود را تقسیم کنید. این طرح کلی را برای شما فراهم می‌کند.

و بنابراین، این یکی از مزایای توجه به ژانر است. اما اتهام این است که خداوند در شرف حمله به ارتشی است. و این همان چیزی است که فصل‌های چهارم تا ششم در مورد آن هستند.

با توجه به ژانر داستان، می‌خواهم دوباره تمرکزمان را به ابزار دیگری که پیامبران استفاده می‌کنند، معطوف کنیم. باز هم، تصاویر، آرایه‌های ادبی و تصاویر کلامی. ارتشی مهاجم در راه است.

حالا پیامبر می‌توانست به سادگی بگوید، این تعداد نیروهاست، این تعداد، این مکان‌های استراتژیکی است که قرار است به آنها حمله شود، این زمان حمله است. اما پیامبر واقعاً این کار را نمی‌کند. پیامبر به ما گزارش نظامی نمی‌دهد.

او هیچ به‌روزرسانی از سی‌ان‌ان به ما نمی‌دهد. در عوض، تصاویر واضحی از آنچه که قرار است هنگام حمله این ارتش به یهودا رخ دهد، ترسیم می‌کند. همانطور که در ویدیوهای قبلی اشاره کردیم، نام ملت و هویت ارتش در این مقطع از کتاب حتی مشخص نشده است.

ما نمی‌دانیم او کیست. ما تعجب می‌کنیم که آیا در روزهای اولیه خدمت ارمیا، خود ارمیا اصلاً می‌دانست که این چه کسی خواهد بود. شاید احتمالات دیگری هم وجود داشته باشد. اما ارمیا قرار است تصویر واضحی را از طریق تصاویر مختلف کلامی ترسیم کند.

به قدرت و توانایی این ارتش نگاه کنید. وقتی این ارتش از راه برسد، اوضاع چگونه خواهد بود؟ و بنابراین اولین تصویری که در این بخش از ارمیا ارائه می‌شود، این است که ارتش دشمن به یک شکارچی ویرانگر تشبیه شده است. در فصل چهارم، آیه هفتم، شیری از بیسه خود بیرون آمده است و ویرانگر ملت‌ها از مکان خود رفته است تا سرزمین شما را ویران کند و شهرهای شما را ویران خواهند شد.

یهودا در شرف شیری خشمگین و غران بر علیه آنهاست. فصل پنجم، آیه ششم، همین موضوع. بنابراین، شیری از جنگل آنها را خواهد کشت.

گرگی از بیابان آنها را ویران خواهد کرد. پلنگی شهرهایشان را زیر نظر دارد. هر که از آنها بیرون رود، دریده خواهد شد، زیرا گناهانشان بسیار و ارتدادشان عظیم است.

آیا می‌توانید تصویر شیری را که در همسایگی شما رها شده است تصور کنید؟ این همان چیزی است که خدا مردم یهودا را به آن تهدید می‌کند. در فصل چهارم، آیات ۱۱ تا ۱۳، از تصویر دیگری استفاده شده است. تصویر دیگری از چگونگی لشکر ارائه شده است.

ارتش آنجا مانند باد گرم شرقی سیروکو خواهد بود که با قدرت به سرزمین یهودا می‌وزد. گاهی اوقات، وقتی این بادهای با چنین قدرتی می‌آمدند، خانه‌ها را ویران می‌کردند یا محصولات کشاورزی را از بین می‌بردند. حداقل، دردسر بزرگی به بار می‌آوردند.

من تصاویر و عکس‌هایی از اورشلیم دیده‌ام از این طوفان‌های باد، زمانی که شن و ذرات شن آسمان را پر می‌کنند و تقریباً جلوی خورشید را می‌گیرند. این همان چیزی است که این ارتش دشمن قرار است به آن دچار شود. فصل چهارم، آیه ۱۱ می‌گوید، و در مورد این قوم در اورشلیم گفته خواهد شد، بادی گرم از ارتفاعات برهنه بیابان به سمت دختر قوم من، نه برای کوبیدن یا پاکسازی آنها.

بادی شدید و سوزان به سمت من می‌وزد. حالا من هستم که در مورد آنها قضاوت می‌کنم. این تصویر یکی از این بادهای را نشان می‌دهد که فکر می‌کنم در ماه‌های مه و ژوئن می‌تواند از صحرا از شرق بوزد، به جای بادهای آرامی که از دریا از غرب می‌وزند. این بادهای ویرانی به بار خواهند آورد.

در طول سال، وقتی مردم غلات را درو می‌کردند، به طبقات غربال‌گری بالای تپه می‌رفتند و باد به آنها کمک می‌کرد تا غلات را غربال کنند، زیرا باد کاه را می‌پاشید و غلات به زمین می‌افتاد و آنها می‌توانستند آنها را جمع‌آوری کنند. این باد، هم کاه و هم غلات را خواهد برد. این بادی است که برای ویرانی و نابودی طراحی شده است.

در آیه ۱۳، لشکر او مانند ابرها و ارابه‌هایش مانند گردباد خواهند آمد. اسب‌هایش از عقاب تیزروترند. وای بر ما، زیرا هلاک شده‌ایم.

بنابراین، می‌توانید تصور کنید که این باد ویرانگر در سراسر سرزمین می‌وزد. تصویر دیگری از داوری و ارتش مهاجم، فصل‌های ۴، آیات ۲۳ تا ۲۶. و شاید این، شاید، در این بخش، افراطی‌ترین تصویر از کاری باشد که این ارتش مهاجم قرار است انجام دهد، زیرا قرار است پژواک بخش دیگری از کتاب مقدس را در ارمیا فصل ۴، آیه ۲۳ بشنویم.

پیامبر می‌گوید: «به زمین نگاه کردم و اینک بی‌شکل و خالی بود. و به آسمان نگاه کردم و هیچ نوری نداشتند.» به کوه‌ها نگاه کردم و اینک می‌لرزیدند.

و تمام کوه‌ها و تپه‌ها به این سو و آن سو حرکت می‌کردند. نگاه کردم و اینک هیچ انسانی نبود. و همه پرندگان هوا فرار کرده بودند.

نگاه کردم و دیدم که آن سرزمین حاصلخیز به بیابان تبدیل شده است. و تمام شهرها در برابر خداوند و خشم شدید او به ویرانه‌ای تبدیل شده‌اند. اگر الان از شما بپرسم، به کدام آیه از کتاب مقدس فکر کردید؟ فکر می‌کنم اکثر ما جواب را می‌دانیم.

به زمین نگاه کردم و دیدم که بی‌شکل و تهی است. این «توحو ووبوهو» بود، دقیقاً همان عبارتی که در پیدایش فصل ۱، آیه ۲، برای صحبت در مورد زمین بی‌شکل قبل از روزهایی که خدا شروع به آفرینش و شکل دادن و صورت دادن کرد، استفاده شده است. وقتی بابل به یهودا حمله کند، مانند نابودی خود خلقت خواهد بود.

و ما در کتاب ارمیا در مقاطعی می‌بینیم که خداوند اساساً تاریخ نجات را لغو خواهد کرد. خداوند در پایان زندگی ارمیا، اسرائیل را از مصر بیرون آورده بود. خداوند آنها را به مصر باز خواهد گرداند.

اما اینجا چیزی بسیار جدی‌تر از این وجود دارد. خداوند در واقع قصد دارد خودِ خلقت را نابود کند. و با بازگشت به جمله‌ی قبلی که از کتاب برنت سندی، «گاواهن و قلاب‌های هرس»، بیان کردیم، می‌توانیم اوج خشم و عشق خدا را در پیامبران ببینیم.

و به یک معنا، آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که حمله بابل‌ها از طریق استفاده از اغراق نبوی، گویی خدا قصد دارد خود زمین را نابود کند. و سپس در آیات بعدی، پژواک‌های بیشتری از پیدایش ۱ وجود دارد. چیزهایی که خدا در پیدایش ۱ آفرید. انسان، آیه ۲۵. پرندگان آسمان، آیه ۲۵.

حیوانات، نور، تمام چیزهایی که خدا خلق می‌کند، ناپدید می‌شوند. پس یک سرزمین ویران، ویران و بایر را تصور کنید. وقتی ارتش از راه برسد، اوضاع به این شکل خواهد بود.

آیه ۲۸. به خاطر این، زمین سوگواری خواهد کرد و آسمان‌های بالا تاریک خواهند شد. زیرا من گفته‌ام. اراده کرده‌ام و پشیمان نخواهم شد و از آن برنخواهم گشت.

بنابراین، آنها از روی آوردن به خدا امتناع می‌کنند، و بنابراین خدا نیز به سوی آنها روی نمی‌گرداند. و بنابراین، در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. در آیه ۲۸، این زمین و آسمان‌ها هستند که اثر این داوری ویرانگر را تجربه می‌کنند.

و سپس، در نهایت، در آیه‌ای که قبلاً خوانده‌ایم، تصویری واقعی از خود ارتش ارائه می‌دهد. تمام این تصاویر درباره همین است. من قومی را از دوردست‌ها، ای خانه خداوند، علیه شما می‌آورم، فصل ۵، آیه ۱۵، خداوند می‌گوید.

این یک ملت پایدار است. این یک ملت باستانی است. این ملتی است که شما زبانش را نمی‌دانید و نمی‌توانید بفهمید که چه می‌گویند.

و این هم تصاویر بیشتر. ترکش آنها مانند یک مقبره روباز است. همه آنها جنگجویان قدرتمندی هستند.

در اسرائیل مراسم تشییع جنازه‌ای برگزار خواهد شد. آنها محصول و غذای شما را خواهند خورد. آنها پسران و دختران شما را خواهند خورد.

این ارتش کاملاً شما را نابود خواهد کرد. حالا اگر بخواهم در مورد این موضوع فکر کنم، خود ارتش به تنهایی به اندازه کافی ویرانگر است. اما چیزی که در این متون می‌شنوم این است که این تصویرسازی در نهایت ما را به این واقعیت سوق می‌دهد که خود خدا قرار است حمله‌کننده باشد.

وقتی پیامبر می‌گوید لشکری که علیه اسرائیل یا یهودا می‌آید، شیر غران است، در کتاب عاموس، همان آیه اول، به ما یادآوری می‌شود که خداوند از صهیون غرش می‌کند و برای داوری علیه قوم خود می‌آید. آنها صرفاً با یک شیر بابلی روبرو نیستند. آنها آماده‌اند تا با خود خدا روبرو شوند.

و به یاد داشته باشید که عاموس می‌گوید، برای ملاقات با خدای خود آماده شوید. این همان کاری است که یهودا در شرف انجام آن است. وقتی از ارتش به عنوان یک باد شدید و تند که بر ازابه‌های بالدار و ابرها می‌آید صحبت می‌شود، به ما یادآوری می‌شود که خدا اغلب در مزامیر یا جاهای دیگر عهد عتیق به عنوان خدایی که سوار ابرها است، در ازابه ابری خود در آسمان می‌راند و جنگ می‌کند، به تصویر کشیده شده است.

وقتی او به زمین فرود می‌آید، زمین در حضورش ذوب و نابود می‌شود. یهودا چیزی بسیار جدی‌تر از صرفاً ارتش بابل برای اندیشیدن دارد. خدا، سوار بر ابرها، در ازابه طوفان خود، برای جنگ با اسرائیل فرود می‌آید.

یکی دیگر از تصاویری که از ارتشی که به آنها حمله خواهد کرد استفاده شده است، در فصل پنجم، آیه ۱۷ است که به آنها اشاره می‌کند که برداشت محصول را می‌خورند و غذای آنها را می‌خورند. من فکر می‌کنم تصویری که در آنجا ارائه شده، از یک دسته ملخ است که اغلب از خاورمیانه عبور می‌کند و ویرانی و تخریب مطلق به بار می‌آورد. در واقع، اگر اخبار را دنبال کنید، اغلب در مورد راه‌هایی که دسته‌های ملخ امروزه مشکلات عظیمی را برای مردم این بخش از جهان ایجاد می‌کنند، خواهید خواند.

در افغانستان در سال ۲۰۰۲، آنها با هجوم صدها میلیون ملخ مواجه بودند که در نهایت چهار میلیون نفر، را تحت تأثیر قرار داد. برای خلاص شدن از شر این ملخ‌ها، این مشکل چنان جدی بود که مردم افغانستان هزار نفر از آنها، درگیر این کار شدند؛ آنها سنگر ساختند. آنها ملخ‌ها را با تکه‌های پلاستیک و هر چه ۱۰ که داشتند به داخل سنگرها راندند و سپس در نهایت آنها را دفن و پوشاندند.

در سال ۱۹۸۸، یکی از بدترین هجوم‌های ملخ در تاریخ، ۱۱ میلیون مایل مربع و ۵۵ کشور را تحت تأثیر قرار داد. معمولاً، یک هجوم بزرگ ملخ شامل ابرهایی از ملخ‌ها می‌شود که می‌توانند تا ۱۰۰ یا ۱۵۰ مایل مربع گسترش یابند. این مورد خاص، هجوم ملخ‌هایی داشت که ابرهای آنها ۴۰۰ مایل مربع بودند و اساساً شامل ۵۰ میلیون ملخ بودند که قادر بودند هر شب ۱۰۰ تن غذا بخورند.

این چیزی است که یهودا در شرف تجربه آن است. لشکریان بابل و خدا به عنوان شیر غران پشت همه اینها به عنوان سوار ابرها که در طوفانی که قرار بود به یهودا حمله کند، می‌آید، خداوند از این ارتش برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کند. حال، یک مفهوم الهیاتی بسیار مهم دیگر در انبیا وجود دارد که می‌خواهم به آن اشاره کنم که به این ایده‌های داوری مربوط می‌شود.

وقتی پیامبران از لشکرهایی صحبت می‌کنند که قرار است بیایند تا داوری خدا را اجرا کنند، و نابودی خداوند را بر مردم نازل کنند، اغلب از این روز به عنوان روز خداوند یاد می‌شود. این فقط یک عبارت نبوی رایج است. در ارمیا فصل ۴، آیه ۹، اصطلاح روز خداوند را نداریم، اما در آیه ۹ آمده است که در آن روز خداوند اعلام می‌کند که شجاعت پادشاه و مقامات را از بین خواهد برد.

و بنابراین، من معتقدم که وقتی او این داوری ویرانگر را توصیف می‌کند، کاری که ارمیا انجام می‌دهد این است که این روز را در سنت نبوی اسرائیل به عنوان روز خداوند به تصویر می‌کشد. و وقتی پیامبران از این اصطلاح استفاده می‌کنند، آن را به روشی استفاده می‌کنند که کمی متفاوت از چیزی است که گاهی اوقات ما از دیدگاه عهد جدید در مورد آن فکر می‌کنیم. دیدگاه ما در مورد روز مصیبت، یا ما به داوری روزهای آخر و داوری‌های آخرالزمانی که خدا قرار است در آماده‌سازی برای پادشاهی خود بیاورد، جذب می‌شویم.

پیامبران اصطلاح روز خداوند را به شیوه‌ای کمی متفاوت به کار می‌برند. آنها از اصطلاح روز خداوند برای اشاره به داوری که قرار است در آخرالزمان اتفاق بیفتد استفاده می‌کنند، اما احتمالاً بیشتر اوقات، از آن برای اشاره به داوری که قرار است در آینده نزدیک اتفاق بیفتد استفاده می‌کنند. و گاهی اوقات، مانند آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد، وقتی در ویرجینیا سفر می‌کنم و به دیدن مکان‌های زیبایی می‌روم که کوه داریم، اغلب دو قله کوه را می‌بینید که وقتی از دور به آنها نگاه می‌کنید، به نظر می‌رسد که درست کنار هم قرار گرفته‌اند.

وقتی نزدیک‌تر می‌شوید یا به آن طرف می‌روید و دیدگاه متفاوتی پیدا می‌کنید، متوجه می‌شوید که شکاف زیادی بین آنها وجود دارد. بنابراین، فکر می‌کنم گاهی اوقات در پیامبران، پیامبران روز آمدن خداوند را می‌بینند. آنها هم داوری قریب‌الوقوع را که قرار است در آینده نزدیک اتفاق بیفتد، می‌بینند.

آنها گاهی اوقات داوری دوردستی را که قرار است در روزهای آخر یا مصیبت بزرگ اتفاق بیفتد، می‌بینند. گاهی اوقات وقتی نوشته‌های انبیا را می‌خوانیم، تشخیص تفاوت بین این دو بسیار دشوار است. اما به نظر می‌رسد این عبارت روز خداوند با این ایده مرتبط است که خدا روزی دارد که در آن، به عنوان یک جنگجو، نازل می‌شود و دشمنانش را داوری می‌کند.

اغلب در وقایع‌نگاری‌های پادشاهان باستان خاور نزدیک یا در سوابق آنها، همانطور که در مورد دستاوردهایشان می‌نوشتند، یکی از چیزهایی که در مورد سیاستمداران در خاور نزدیک باستان شگفت‌انگیز است این است که گاهی اوقات دروغ می‌گفتند، داستان سرایی می‌کردند و اغراق می‌کردند. می‌دانم تصور اینکه دیگر هرگز اتفاق نیفتد دشوار است، اما گاهی اوقات آنها با گفتن چیزی شبیه به این، دستاوردهای خود را اغراق می‌کردند: من نه تنها دشمنم را شکست دادم، بلکه آنها را در یک روز شکست دادم. در برخی از وقایع‌نگاری‌های مصری بخشی وجود دارد که شامل پادشاه و جابجایی سربازانش می‌شود، بدیهی است که آنها نمی‌توانستند در یک روز به آنجا سفر کنند، اما در یک روز دشمنم را شکست دادم.

یکی از نبردهایی که بنی‌اسرائیل در آن درگیر بودند، من بنی‌اسرائیل را قبل از ظهر شکست دادم. من قبل از نهار از آنها مراقبت کردم. بنابراین، پیام نبوی این است، و این مرا به یاد یاهوگویی‌های خاور نزدیک باستان می‌اندازد.

من می‌توانم دشمنم را در یک روز شکست دهم. خدا به معنای واقعی کلمه دشمنانش را در یک روز شکست خواهد داد. و قدرت و خشم خدا برای انجام این کار، روز ممکن است به یک دوره طولانی اشاره داشته باشد، اما گویی خدا سوار ارابه خود می‌شود، به زمین می‌رود، زمین در حضور او ذوب می‌شود و خدا به سادگی با حضور خود دشمنانش را مغلوب می‌کند.

پادشاهان آشور اغلب می‌گفتند، با قدرت شکوه و جلال، دشمنم را شکست دادم. خداوند به معنای واقعی کلمه قادر به انجام این کار خواهد بود. حال، آنچه پیامبران می‌خواستند مردم اسرائیل ببینند این است که روز خداوند زمانی است که خدا دشمنان خود را شکست خواهد داد.

اما عنصری که درک آن برای آنها دشوار بود این بود که اکنون آنها بودند که دشمن اسرائیل شده بودند. خدا به یک عامل آزاد تبدیل شده است. او لباس نظامی خود را عوض کرد.

اکنون، به جای سنت‌های جنگ مقدس که در آن خدا برای اسرائیل می‌جنگید، اسرائیل به دشمن خدا تبدیل شده است. و این همان چیزی است که ارمیا به آن اشاره و اشاره می‌کند. در آن روز، روز خداوند، خدا برای اسرائیل نخواهد جنگید.

این روز خداوند خواهد بود که خداوند علیه اسرائیل می‌جنگد. در عاموس، فصل پنجم، آیات ۱۸ و ۱۹، عاموس، یکی از پیشینیان نبوی ارمیا، این ایده را مطرح کرده است: وارونه کردن سنت‌های جنگ مقدس اسرائیل و قرار دادن آن در چارچوب روز خداوند. اکنون روز خداوند زمانی است که خداوند نازل می‌شود و علیه قوم اسرائیل می‌جنگد.

و این چیزی است که عاموس در مورد روز آمدن خداوند می‌گوید. او در آیه ۱۸ می‌گوید: «وای بر شما». و به یاد داشته باشید که وقتی کلمه «وای» یا «یا» وای «را می‌شنویم، چه می‌شنویم، این حکم مرگ است».

وای بر شما که آرزوی روز خداوند را دارید. چرا باید روز خداوند را داشته باشید؟ این روز، روز تاریکی است. و نه روز روشنایی. بسیار خوب، این چیزی است که در اسرائیل اتفاق می‌افتد.

آنها شروع به ظلم و ستم توسط آشوریان و بعداً بابلی‌ها کردند. و پیامبر می‌گوید، بر اساس سنت‌های جنگ مقدس شما، و شاید برخی از آنها، می‌دانید، پیامبران دروغین صلح، آنها مشتاق روز خداوند هستند. ما می‌خواهیم خدا نازل شود و دشمنان ما را شکست دهد و ما را نجات دهد.

و آنها همانطور که بچه‌های من وقتی بچه بودند، منتظر کریسمس بودند، منتظر روز خداوند بودند. اما عاموس می‌گوید، این چیزی است که باید بفهمید. روز خداوند قرار نیست روز نور و رهایی برای اسرائیل باشد.

آن روز، روز تاریکی خواهد بود. آیه ۱۹ در عاموس ۵ می‌گوید که گویی مردی از شیری فرار کرده است. ما قبلاً دیده‌ایم که این تشبیه در ارمیا به کار رفته است.

و یک خرس به او برخورد. یا او وارد خانه شد و دستش را به دیوار تکیه داد و ماری او را گزید. بسیار خوب، روز خداوند برای اسرائیل اینگونه خواهد بود.

روزی نیست که خدا برای شکست دادن دشمنان نازل شود. روزی است که خدا برای شکست دادن تو نازل می‌شود. و تو از داوری رهایی نخواهی یافت.

مثل کسی می‌شوی که دارد از یک شیر فرار می‌کند و فکر می‌کند چند قدم به او نزدیک شده‌ای، و ناگهان با سر به یک خرس می‌خوری. یا شاید به نحوی به راست بپیچی و از شیر و خرس دور شوی و وارد خانه شوی و دستت را به دیوار تکیه بدهی و بگویی، وای، من که از آن فرار کردم. و یک مار از دیوار بیرون می‌آید و تو را نیش می‌زند.

شما از روز خدا اجتناب نخواهید کرد. و در آیه 20، این روز خداوند نیست، تاریکی و نه نور، و تاریکی بدون هیچ درخشندگی در آن. عاموس سلف ارمیا بود.

او این ایده را مطرح کرده بود که روز خداوند، زمان داوری خواهد بود. و بنابراین، انبیای زمان ارمیا می‌گفتند، روز خداوند دوباره فرا می‌رسد. صغفیا، یکی از معاصران ارمیا، می‌گوید روز خداوند فرا می‌رسد.

و این زمان، زمان ویرانی برای قوم اسرائیل خواهد بود. او آن را اینگونه توصیف می‌کند: در حضور خداوند متعال خاموش باشید، زیرا روز خداوند نزدیک است.

خداوند قربانی‌ای آماده کرده است. شهر اورشلیم مانند قربانی تقدیم خواهد شد. آیه ۸، و در روز آن قربانی من صاحب‌منصبان و پسران پادشاه و همه کسانی را که لباس بیگانه می‌پوشند، مجازات خواهم کرد.

در آن روز، هر که را از آستانه ببرد، مجازات خواهم کرد. و خداوند می‌گوید کسانی که خانه‌ی ارباب خود را با خشونت و فریب پر می‌کنند، در آن روز فریادی از دروازه‌ی ماهی شنیده خواهد شد. آیه‌ی ۱۲: در آن زمان، اورشلیم را با چراغ‌ها جستجو خواهم کرد و مردم را مجازات خواهم کرد.

من هر بدکار را پیدا کرده و مجازات خواهم کرد. روز بزرگ خداوند نزدیک است. نزدیک است و به سرعت در حال نزدیک شدن است.

ارمیا، ارمیا فصل ۴، آیه ۹، خداوند می‌گوید در آن روز، شجاعت پادشاه و مقامات از بین خواهد رفت. حال می‌بینید، در تمام این اتفاقات، در نهایت پیامی برای ما نیز وجود دارد. به یاد داشته باشید، روز خداوند نزدیک است و روز خداوند دور.

و هر داوری که خداوند در تاریخ آورده است، یادآوری این نکته است که در نهایت، در آن روز آخر، خداوند، داوری نهایی وجود خواهد داشت. اشعیا، وقتی در باب دوم درباره روز خداوند صحبت می‌کند، منظورش داوری‌ای است که در آن خداوند غرور تمام بشریت را به زیر خواهد کشید. و هر قوم، هر ملت، هر فرد با داوری خداوند روبرو خواهد شد.

آنچه پیامبران می‌گفتند این است که داوری‌هایی که ما مردم را از آنها برحذر داشتیم، آمدن آشوریان، آمدن بابلی‌ها، هر یک از آنها یادآور اصلی است که در ابتدای این جلسه در مورد آن بحث کردیم، اصل کاشت و برداشت. و اگر به تاریخ نگاه کنید و فکر کنید که می‌توانیم از داوری خدا اجتناب کنیم، نکته‌ی واضح را از دست می‌دهید. هر روز خداوند، کوچک، در تاریخ گذشته یادآور روز بزرگ خداوند، زمان آینده است.

و کتاب مقدس می‌گوید که ما باید در پرتو آن و با آگاهی از آن زندگی کنیم. می‌خواهم جلسه را با خواندن بخشی از عهد جدید از دوم پطرس فصل ۳، آیات ۱۰ تا ۱۳ به پایان برسانم و به ما یادآوری کنم که در پرتو روز خداوند که از دیدگاه پیامبران بسیار دور است، اما روز خداوندی است که هر روز نزدیک‌تر می‌شود زندگی کنیم. پطرس این را می‌گوید: روز خداوند مانند دزد خواهد آمد و سپس آسمان‌ها با غرشی از بین خواهند رفت و اجرام آسمانی سوخته و از هم پاشیده خواهند شد و زمین و اعمال و هر آنچه در آنهاست آشکار خواهد شد.

به یاد داشته باشید، ارمیا در مورد نابودی خلقت صحبت کرده بود. حمله بابلی‌ها چنین چیزی خواهد بود. این بار چنین نخواهد بود.

این خواهد بود. آیه ۱۱، نکته اصلی اینجاست. از آنجایی که همه این چیزها در نهایت از بین خواهند رفت، شما باید چگونه افرادی باشید که در زندگی خود تقدس و خداترسی را رعایت می‌کنید و منتظر و مشتاق روز خداوند هستید که به خاطر آن آسمان‌ها آتش می‌گیرند و از بین می‌روند و اجرام آسمانی در حین سوختن ذوب می‌شوند، اما طبق وعده او، ما منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدیدی هستیم که در آن عدالت ساکن خواهد بود.

من معتقدم که ما در دورانی مانند دوران نوح زندگی می‌کنیم. مردم می‌خورند و می‌نوشند و می‌گویند، هی، وعده آمدن او کجاست؟ خداوند می‌گوید، اگر می‌خواهید به یاد بیاورید که واقعیت چیست، به گذشته نگاه کنید و هر داوری خدا در گذشته، یادآوری روز حسابرسی بوده است که در آینده می‌آید، و به همین دلیل، به عنوان قوم خدا، ما در پرتو آن زندگی می‌کنیم. ما در پرتو واقعیت داوری زندگی می‌کنیم که بر کسانی که خدا را نمی‌شناسند، نازل خواهد شد، اما ما همچنین در پرتو واقعیت برکت و نجات زندگی می‌کنیم.

زمانی فرا خواهد رسید که روز خداوند، روز نجات قوم خدا خواهد بود. پیامبران از روز خداوند به عنوان چیزی که نزدیک و دور است صحبت کرده‌اند، و به همین دلیل است که پیام آنها چیزی است که هنوز هم برای ما مهم است.

، این دکتر گری یتس در دوره آموزشی خود در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۱۱، ارمیا ۴: ۵-۶: ۳۰، تهاجم قریب‌الوقوع است.